

تفسیر های رادیو مسکو در باره
حوادث ایران

شماره ۳

www.iran-archiv.com

تفسیرهای رادیو مسکو در باره
حوادث ایران

شماره ۳

www.iranarchive.com

آیا مسلمانان ازبکستان در انقلاب اکتبر شرکت داشته‌اند؟

سؤال - آیا مسلمانان در مبارزه انقلابی در ازبکستان شرکت
میکردند یا نه؟

جواب - پیش از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر ازبکستان
جزو ایالات ترکستان بود که قسمتی از خاک روسیه تزاری بود. استان
ترکستان یکی از مناطق دور افتاده و عقب مانده روسیه تزاری بود و
اهالی آن از حق شرکت در اداره امور کشور بد کلی محروم بودند.
فرمانداران و بخشداران و ژاندارمها و دیگر ماموران دستگاه استعماری
روسیه تزاری در حق اهالی بومی شدیداً ظلم و ستم روا میداشتند و در راه
پیشرفت فرهنگشان موانعی ایجاد میکردند. (گروپاتکین) استاندار
پیشین استان ترکستان اظهار کرده بود: «ما طی ۵۰ سال اهالی بومی را
از پیشرفت و ترقی، از مدرسه و زندگی ملت روسیه بد دور نگاه
داشتیم». پیروزی انقلاب اکتبر در روسیه موجب آغاز و اعتلای جنبش
انقلابی در استان ترکستان شد. زحمتکشان این استان کوشش میکردند
نیروهای خود را متحد کنند و سازمانهای دسته جمعی و شوراهای
تشکیل بدهند. در جریان انقلاب در ازبکستان سازمانهای ملی انقلابی

و دموکراتیک رحمتکشان نظیر «اتحاد مسلمانان رحمتکش» و «اتفاق» تشکیل شد که هدف آنها مبارزه در راه احقاق حقوق کارگران مسلمان و مستضعفان و بهبود شرایط زندگی آنها از طریق اتخاذ تمام تدابیر فانونی بود. ولی جنبش ملی در استان ترکستان همگون نبود. همزمان با گسترش مبارزه ملی آزادیبخش رحمتکشان، نهضت ملی گرانه بورژوازی محلی و خوانین و مستکبران دیگر آغاز شده و گسترش پیدا کرد. و سازمانهای ارتجاعی نظیر شورای اسلامی و شورای علما، تشکیل گردید. هر دو این سازمان برای تغییر دادن جریان انقلاب به سود بورژوازی محلی و فئودالها تشکیل گردیده بود و با اعمال امپریالیستی انگلیس و آمریکا که در خاک ایران و افغانستان آشیانه کرده بودند و به انواع وسایل فعالیت ضد انقلابی آنها را تشویق میکردند و از آنها پشتیبانی مینمودند رابطه نزدیک برقرار کردند. کنسولگری انگلیس در مشهد به روحانیون مرتجع ازبکستان دستور میداد که تخم عداوت و دشمنی ملی را بین ملتهای ساکن ازبکستان و ملت روس بیافشانند. ولی چنانکه سیر زندگی نشان داد مردم ازبکستان تبلیغات بورژوازی نوکران ودمروپیمان امپریالیستی را باور نکردند و حکومت شوروی را پذیرفتند که از آنها کاملاً طرفداری میکرد و از منافع مردم دفاع مینمود. در آن گنجره اول شوراهای جمهوری خود مختار شوروی ترکستان اعلام شد که پرولتاریای مسلمان باید به پشتیبان و تکیه گاه کنجره حکومت شوروی در ترکستان مبدل شود. ازبکستان در سالهای حکومت شوروی رشد نموده و رونق پیدا کرد. مردم ازبکستان بعنوان عضو اتحاد ملل برادر و برابر حقوق بازده جمهوری شوروی در راه پیشرفت و ترقی کام برسیدارند.

انقلاب افغانستان تثبیت میشود

حقیقت اوضاع افغانستان انقلابی و سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان که هدف آن بهبود اساسی شرایط زندگی مردم است، را در ا بسوی قلوب آوارگان افغانی که گذرشان به پاکستان و ایران و عربستان سعودی افتاده و در آنجا در اردوگاههای ویژه نرسد گرسنه هستند باز میکند. اکثر این اشخاص از این زندگی بستوه آمده و میخواهند هرچه زودتر به وطن باز گردند و در شرایط صلح و آرامش زندگی کنند. ولی این آرزوی آنها همیشه با موانعی روبرو میشود که مقامات رسمی در اعمشان ایجاد میکنند. «محمود آسمی» اهل ولایت تنگرهار در گفتگو با خبرنگار ما بدبختیها و مشقاتی را که در خارج متحمل شده بود بازگو کرد. وی گفت: «سابقا بارها شنیده بودم که آوارگان در پاکستان در بهشت زندگی میکنند. میگفتند که در آنجا برای همه کار و غذای لذیذ هست. من این حرفها را باور کردم. ولی چندی نگذشت که به تجربه یقین حاصل کردم که چنین چیزی در آنجا برای ما وجود ندارد. برای ما در آنجا چادرهای کهنه و رنگورو رفته هر یک برای پانزده نفر و سبزیجات گندیده تهیه شده و این سبزیجات همان «غذاهای لذیذ» است که درباره آنها آنقدر به ما

گفته بودند. من به چشم خود دیدم که صدها تن از هموطنانم در آنجا بر اثر تغذیه و نیمه گرسنگی و بیماری زجر میکشند. من در پاکستان همچنین «باکمک» کذایی غرب به آوارگان آشنا شدم. این «کمک» جز سلاخی که ما را مجبور میکردند آنرا علیه حکومت مردمی افغانستان بکار ببریم چیز دیگر نیست. و اما راجع به کیگ نقلی باید گفت که سرکرده‌های باندهای ضد انقلابیون تمام پولها را به جیب خود میریزند. کدایی و دزدی، غارت و چپاول از مدت‌ها پیش پدیده عادی در زندگی آوارگان شده است. روز بروز تعداد بیشتری از هموطنان من میخواهند به همین باز گردند. ولی این کار ساده‌ای نیست. سیاست رژیم ضیاءالحق کاملاً از طرف ایالات متحده آمریکا هدایت و کنترل میشود و آمریکا در ادامه جنگ اعلام نشده علیه افغانستان ذینفع است. من در پاکستان مستشاران نظامی متعدد آمریکارا دیده‌ام. در اردوگاههای آوارگان برای تکمیل باندهای ضد انقلابیون که به افغانستان صادر میشوند، دائماً اشخاص استخدام میشوند. من در پاکستان موفق شدم با استناد به وضع مزاجی از شرکت در باندهای اشراز طفره بروم. سپس به ایران نقل مکان کردم و در آنجا پس از آنکه حاضر نشدم در جنبه جنگ ایران و عراق بجنگم مرا در اختیار یکی از باندهای ضد انقلابیون افغانی گذاشتند. آن وقت فهمیدم که فقط در صورتیکه حاضر شوم با حکومت خلق افغانستان که بقول سرکرده‌های اشرازدین اسلام را پایمال میکنند مبارزه کنم میتوانم به وطنم باز گردم. به این طریق به افغانستان دلبندم باز گشتم و در اولین فرصت به ارگانهای امنیتی دولتی تسلیم شدم. وی در پایان گفت: «اکنون من مشغول کار هستم و بسیار خوشحالم که با اصطلاح بهشت خارجی تمجید شده‌را پشت سر نهاده‌ام».

فهرستی از تجاوزگریهای امپریالیسم امریکا

روزنامه «پراودا» امروز سیاست دولت ریگان را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده يك صفحه تمام را بچاپ مقالات و عکسها و نقشه‌هایی اختصاص داده است که نشان میدهد واشنگتن واقعا سیاست تروریستی خود را در محنه بین‌المللی در عمل چگونه اجرا میکند. روزنامه «پراودا» مینویسد: افزایش فوق‌العاده زیاد میزان تسلیحات و تعداد نفرات مسلح ایالات متحده آمریکا، ازدیاد بیش از حد بودجه نظامی زیربنای مادی این سیاست است. واشنگتن با ارتکاب زور بایبیشرمی شدید تمام جهان را جزو منافع حیاتی ایالات متحده آمریکا اعلام کرده است. کاخ سفید بخاطر دفاع از این منافع حاضر است نیروهای واکنش سریع خود را به تمام اطراف و اکناف جهان بفرستد. دولت‌های نامطوع را سرنگون سازد. نیروهای مترقی را نابود کند. ونحوه زندگی را بد دیگر کشورها تحمیل نماید. حمله راهزانه دولت نظامی مقتدر به کشور کوچک گرنادا فقط نمونه اخیر از سیاست امپریالیستی واشنگتن است. روزنامه «پراودا» نقشه‌های مربوط به مداخلات مسلحانه آمریکا از سال ۱۹۴۵ را همچون فهرست بزرگترین و شدیدترین تمهک‌ارینای ایالات متحده آمریکا چاپ میکند. مداخله مسلحانه در چین در سالهای ۱۹۴۱ - ۱۹۴۵ که ۱۱۳ هزار سرباز آمریکائی، حدود ۶۰۰ هواپیما، بیش از ۱۵۰ ناو جنگی در آن شرکت کردند، جنگ تجاوزکارانه در کره

در سال ۱۹۵۳ - ۱۹۵۰ با شرکت ۲۵۰ هزار سرباز و بیش از ۱۵۰۰ هواپیما و حدود ۲۰۰ ناو جنگی ایالات متحده آمریکا، مداخله مسلحانه مزدوران سازمان سیا آمریکا در کواتمالا در سال ۱۹۵۴ که در آن دولت دمکراتیک سرنگون شده و دیکتاتوری نظامی برقرار گردید. پیاده شدن تفنگداران دریایی آمریکا در لبنان در سال ۱۹۵۸، تلاش مداخله مسلحانه در کوبا در سال ۱۹۶۱، تجاوز بزرگ مقیاس آمریکا در ویتنام در سالهای ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۳، تجاوز مسلحانه ارتش ۴۰ هزار نفری آمریکا علیه جمهوری دومینیک در سال ۱۹۶۵ و بالاخره پیاده شدن تفنگداران دریایی در لبنان و حوادث خونین مربوط به اشغال کشور کوچک گرنادا در عصر حاضر از جمله این تبهکاریهاست. روزنامه «پراودا» نوشته است: رهبری ایالات متحده آمریکا تلاش میکند سیاست تروریستی خود را با اشاره به خطر شوروی، مترسکی که همانا توسط نازیها ساخته شده بود، موجه جلوه دهد. ولی جنگ صلیبی بر ضد اتحاد شوروی که برزیدنت ریگان اعلام کرده تنها علیه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی متوجه است، بلکه واشنگتن تلاش میکند زیر پرچم جنگ صلیبی جنبش آزادیبخش ملی در آمریکای مرکزی را تارومار سازد، جای پای خود را در خاور نزدیک گود کند، سیادت خود را در آسیا، آفریقا برقرار سازد، اروپای غربی و ژاپن را بیشتر به گردونه نظامی خود ببندد. ایالات متحده آمریکا بد بهانه‌های ساختگی استقرار موشکهای جدید هسته‌ای خود را در کشورهای اروپای غربی آغاز میکند. ملل آنهارا می‌خواهد به گروگان واشنگتن مبدل سازد تا به تنهایی این مسئله را حل کند که ملل اروپای غربی تاجه حلی به موجودیت خود ادامه دهند یا که در آتش جنگ هسته‌ای سوزند.

گزارشی از افغانستان

خبرنگار ما در افغانستان از قصبه «پل سنگی» دیدن کرد و گزارشی درباره این سفر تهیه نمود که اینک آنرا مورد توجه شما قرار میدهیم. خبرنگار ما مینویسد: قصبه «پل سنگی» مرکز اداری بخش «ده سبز» است. بخش «ده سبز» منطقه سبز و خرمی است. در آنجا تا چشم کار میکند تا کستانها و باغهاست. امسال حاصل خوبی از غلات و میوهجات به بار آمده است. اما محصول امسال کاملاً برداشت نشده. چون نیروی کار کفایت نمیکند. جمعیت این بخش کاهش یافته است. در قصبات و بویژه در آن قصباتی که در دامنه کوهها واقع است، بسیاری از خانهها خالی است. تا همین چندی پیش بخش «ده سبز» جای امنی نبود. باندهای اشرا که از خارج به افغانستان صادر میشوند از بالای کوه پائین آمده اموال دهقانان را به یغما میبردند. کشاورزان را به قتل میرساندند، منطقه را خراب مینمودند و مدرسه را به آتش میکشیدند و پلها را منفجر میساختند. اشرا تمام اعضای خانواده هارا به زور با خودشان میبردند و با آنها به اصطلاح در «اردگاههای آوارگان» بدسر میبردند. اکنون اوضاع «ده سبز» آرام است. گروههای پاسداری از انقلاب که از دهقانان تشکیل شده اند از کار و زندگی ساکنان محل بدنبوی اطمینان بخش دفاع میکنند. وقتی ما به قصبه پل سنگی نزدیک میشدیم در حوالی آن چندتن از اعضای گروه دفاع از خود از ما استقبال

کردند. بعدا به ما گفتند که در بین اعضای گروه اشخاصی هستند که از راه فریب آنها را به زور وارد کرده بودند. در باند اشرار شرکت کنند. ولی با اشرار قطع رابطه نمودند. یکی از آنها به نام هادی خان گفت: ما به طرف حکومت خلق برگشتیم. زیرا از سیاست آن راضی هستیم. هادی خان اضافه کرد: این حکومت به دهقانان زمین داد و دین اسلام احترام میگذارد. دهقانان افغانستان همیشه آرزو داشتند زمین داشته باشند. پیش از انقلاب آوریل ۱۹۷۷ بیش از سه چهارم زمینهای زیر کشت افغانستان در دست فئودالها و ملاکان بود. حکومت خلق این بی عدالتی دیرین را از بین برد. اکنون در افغانستان این اصل که حاکی است «زمین باید به کسانی تعلق داشته باشد که آن را میکارند». جامه عمل به خود میپوشد. این اصل هسته اصلی اصلاحات ارضی را تشکیل میدهد که اکنون با موفقیت انجام میگیرد. حکومت مردمی بلاعوض و برای همیشه زمین را به دهقانان میدهد و امکان استفاده از منابع آب و کانالهای آبیاری را تامین میکند که سابقا در اختیار فئودالها و پولداران بود. در قصبه «پل سنگی» اصلاحات ارضی و آبی به کلی پایان میگیرد. در دیگر قصبات بخش به تدریج انجام میگیرد. «عبدالمالک صفی» نماینده مقامات رسمی بخش میگوید: در اینکار عجله جایز نیست. باید نه تنها احتیاجات هریک از خانواده‌ها را تامین کنیم، بلکه مرغوبیت زمین را هم در نظر بگیریم و اینکار ساده‌ای نیست. علاوه بر آن شوره‌های ریش سفیدان در تمام قصبات در حل کلیه مسائل شرکت میکنند. با اشتراك مساحی دهقانان مرکز ماشینها و تراکتوری احداث شده است. «عبدالمالک صفی» میگوید: ما میخواهیم از لحاظ سطح مکانیزه کردن کارهای کشاورزی در ولایت کابل جای اول را داشته باشیم. «عبدالمالک صفی» تبسمی کرده اضافه نمود: شاید بتوانیم در سراسر کشور مقام اول را کسب کنیم.

یکبار دیگر در باره موضع اتحاد شوروی در قبال جنگ ایران و عراق

معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه جمهوری عراق که برای گفتگو و مذاکره به اتحاد شوروی سفر کرده بود روش اتحاد شوروی را در مورد مسئله جنگ ایران و عراق بعد زیادی تحسین کرد. مفسر ما به این مناسبت مینویسد: «بطوری که میدانید روش اتحاد شوروی در مورد مسئله درگیری ایران و عراق عبارت از آن است که دولت شوروی این جنگ را عبث و بیهوده می‌شمارد و طرفدار آن است که تمام عملیات جنگی هرچه زودتر قطع شود و مناقشه موجود از راه سیاسی و از طریق مذاکرات حل شود. ما بر آنیم که این جنگ فقط برای اسپرالیزم و صیونیزم یعنی برای نیروهای تجاوزگر خارجی که هم دشمن ایران و هم دشمن عراق هستند لازم است. نه ایران و نه عراق از ویرانیها و خونریزی و ایراد لطمه به اقتصاد یکدیگر هیچ فایده‌ای نخواهد برد. بدینجهت ما این راه را عاقلانه می‌شماریم که ایران و عراق سرمایهز مذاکره بنشینند و اختلافات خود را منجمد اختلاف بوسه مسائل ارضی را از راه مسالمت بر مبنای اقدامات متقابل قبول طرفین و بر اساس عدالت حل کنند. چنین است روش اتحاد شوروی و این روش ساده و روشن

است که اتحاد شوروی از همان ابتدا بدون وابستگی به مسیر حوادث در میدان کارزار که بیش از ۴ سال اخیر در این مسیر بوده است، اکنون عده‌ای از نمایندگان و سائل ارتباط جمعی ایران تلاش میکنند که مسئولیت ادامه جنگ ایران و عراق را بر عهده اتحاد شوروی بگذارند. واضح است که این تلاشها کاملاً بی اساس است و محکوم به ناکامی است. مادوباره اعلام میکنیم که اتحاد شوروی در امور داخلی ایران و عراق مداخله نکرده و نمیکند. دولت شوروی با دعوت این کشورها به حل مسالمت آمیز اختلاف بدهیچ وجه در نظر ندارد که در نتیجه طرفی فایده ببرد و طرفی دیگر ضرر. برعکس سخن از جستجوی راه حلی است که قابل قبول طرفین باشد باید به یاد نکته مهم دیگر اشاره کرد. اتحاد شوروی ادامه جنگ ایران و عراق را عامل جدی می‌شمرد که اوضاع منطقه مجاور مرزهای جنوبی کشور ما را زیر فشار قرار میدهد. نباید گذاشت که امپریالیزم آمریکا به مداخله مسلحانه در این منطقه بد هر بهانه و منجمله به بهانه آزادی کشتیرانی در خلیج فارس بپردازد. این مداخله خطر بزرگی برای امر صلح در بر دارد بدینجهت مفهوم است که اتحاد شوروی با ادامه درگیری موافق نیست. بطوریکه میدانید کشور ما با عراق مناسبات دوستانه دارد. ولی کشور ما همچنان طرفدار آن است که با ایران کشور همسایه هم مناسبات عادی دوستانه برقرار کند. اتحاد شوروی مایل است در آینده نیز ایران را کشوری مستقل و دارای حق حاکمیت ببیند و آماده است همکاری همه جانبه و متقابل سودمند را با آن در عمل گسترش دهد. ولی بدیهی است که برای نیل به این هدف از هر دو طرف باید حسن نیت ارائه و ابراز شود.

گسترش مسابقه تسلیحاتی به فضای کیهان

آمریکا به اجرای برنامه ساختن مدرنترین سیستمهای سلاح مخصوص بهره برداری در فضای کیهان سرعت میبخشد. مفسر ما ویکتور ایلچوف، در رابطه با آن مینویسد: در همین سال جاری وزارت جنگ آمریکا «پنتاگون» برای این مقاصد نزدیک به ۹ میلیارد دلار مصرف کرد. در کالیفرنیا نخستین آزمایشهای سلاح لازی که در ایستگاههای مداری نصب خواهد شد انجام شده سفینههای فضائی قابل استفاده مجدد از نوع فائتل با دستگاههای لازی تسلیح میشوند. به گزارش شرکت تلویزیونی سی بی اس آمریکا این سفینههای کیهان پیمانها مانند موشکهای ام اکس جزو برنامه نظامی آمریکاست. ریگان چند ماه پیش طی سخنرانی خود همه اینها را بمشابه امید جدید به آینده صلح آمیز توصیف کرد. مطبوعات این سخنرانی را سخنرانی درباره جنگهای ستاره ای خواندند. هدف برنامه ریگان آن است که موجباتی فراهم آید تا سلاحهای تعرض موشکی و هسته ای آمریکا آسیب ناپذیر باشد و بورتوی نظامی آمریکا تحقق یابد. ژنرالهای پنتاگون صاف و پوست کنده میگویند هر که صاحب فضای کیهان باشد صاحب کره زمین هم خواهد شد. در سال ۱۹۵۷ در همان آغاز عصر کیهانی که دانش و تکنیک شوروی آنرا بر روی بشریت کشوده اتحاد شوروی در سازمان ملل متحد پیشنهاد منع بهره گیری

از فضای کیهان برای مقاصد نظامی را ارائه داد. در سال جاری در ۱۳۷
اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد اتحاد شوروی پیشنهاد کرد که در
باره منع توسل به زور در فضای کیهان و از فضای کیهان در مورد زمین
توافق حاصل شود ولی آمریکا در راه تحریم متن قرار داد استفاده صلح
آمیز از فضای کیهان به انواع وسایل به اشکال تراشی مشغول است
و اشکنن حاضر نیست در باره همکاری مسالمت آمیز در این رشته و
دیگر رشته‌ها به توافق برسد و ترجیح میدهد مقدمات جنگ را خود تدارک
ببیند و مأموردهای جاسوسی و مأموردهای قاتل یا اشعه مرگبار لازی که
هر هلفی را در روی زمین و در فضای کیهان نابود میکند مجهز میشوند...
بشریت نمیتواند اجازه دهد که بدلیل و اراده این آدمهای دیوانه
کره زمین آبی رنگ بشکل کره سیاه بیجان پوشیده از خاکستر
حسته‌ای در آید و مأموردهای قاتل ساخت آمریکا در سکوت مطلق دور
آن پرواز کنند.

کبوتر با کبوتر باز با باز

در کابل اجلاس ششمین کمیسیون مشترک همکاری اقتصادی و فنی افغانستان و هند برپا شد. پس از پایان اجلاس کمیسیون پروتکل درباره ادامه همکاری دو کشور بین نمایندگان سازمان دولتی برنامه ریزی ج. د. افغانستان و «لومبا» رئیس هیئت نمایندگی هند و دبیر وزارت امور خارجه به امضا رسید. مختصر ما مینویسد: همکاری همه جانبه میان افغانستان و هند که از اشتراك تاريخی فرهنگ دو کشور و دوستی مردم دو کشور ريشه میگیرد، گسترش پیدا میکند. افغانها و هندیها طی قرنهای در صلح و توافق در کنار هم زندگی و کار میکنند و تجارت میکنند و به یکدیگر کمک میرسانند. پس از انقلاب آوری این همکاری بویژه بسیار ثمر بخش شده است. باتشویک مساعی کارشناسان افغانی و هندی در افغانستان واحدهای صنعتی و تاسیسات آبیاری و انرژی در دست ساختمان است. برخی از این تاسیسات منجمه بیمارستان کودکان در کابل مورد بهره برداری قرار گرفت. دهها کارشناس هندی در افغانستان کار میکنند. قرار شد که در افغانستان (کابل) مرکز فرهنگی هند و دانشکده کشاورزی و موسسات دیگر ساخته شود. در سال مالی جدید کالاهای مختلف به مبلغ ۹۰ میلیون روپیه به افغانستان صادر خواهد شد و کالاهای صادراتی سنتی افغانستان در بازار هند بشروش خواهد رسید.

البته این فهرست را میتوان ادامه داد. شك نیست که همکاری اقتصادی فقط نشانه منطقی اقدامات دوستانه متقابل در رشته امور سیاسی است. دیدارهای منظم شخصیت‌های سیاسی در کشور و مبادله پیام‌های مودت آمیز میان رهبران دو کشور برای ابراز همبستگی از جمله این اقدامات است. چندی پیش بانو ایندیرا گاندی در کنفرانس مطبوعاتی نیویورک اعلام کرد که کشور وی از مبارزه مردم افغانستان پشتیبانی میکند. حال بینیم علت آنکه همکاری دوستانه افغانستان آزادی دوست و هندوستان یکی از بزرگترین کشورهای آسیا و یکی از بانیان جنبش عدم تعهد که بجا و بحق در صحنه جهانی شان و حیثیت فراوانی دارد پس از انقلاب آوریل به مرحله عالیتر ارتقا یافته است چیست؟ بنظر ما برای پاسخ به این سؤال میتوان ضرب‌المثرا ذکر کرد که میگوید: «کبوتر با کبوتر باز با باز، کند هم جنس با همجنس پرواز» افغانها و هندیها مقاصد و منافع یکدیگر را درک میکنند مردم افغانستان محملات مزدوران امپریالیزم و ارتجاع منطقه را دفع میکنند و مردم هند مجبورند باتلاشهای واشنگتن و دیگر کشورهای امپریالیستی برای مداخله در امور داخلی شان و برای آنکه هندوستان را به علت ادامه خط مشی سیاسی مستقل به اصطلاح تنبیه کنند، مقابله نمایند. حتی شیوه‌های خرابکاری امپریالیزم علیه دو کشور یکسان است. اعزام گروه‌های اشرار و راهزنی و عملیات تروریستی و پشتیبانی از نیروهای ضد دولتی. ولی امپریالیستها که تلاش میکنند جوخ تاریخ افغانستان و هند و دیگر کشورهایی را که به راه پیشرفت مستقل قدم گذاشته‌اند بعقب بر گردانند. فراموش میکنند که مبارزه مشترک، احساسات دوستی متقابل و وحدت و همبستگی را به مراتب افزایش میدهند. در جریان این مبارزه مشترک مردم افغانستان و هند دوستی و همکاری آنها مبتنی بر اصل سود طرفین، تقویت و توسعه مییابد.

تسلیم‌های سالوسانه و واقعیت عربان

دوستان محترم، آمریکا به حمل اجزای موشکی هسته‌ای جدید خود به اروپا ادامه می‌دهد. مگر ما در رابطه با آن مینویسد: در این روزها سعی دارند ساکنان اروپای غربی را به انواع وسایل تسلی دهند. هم شخصیت‌های دولتی درین، لندن، رم و هم وزیر دفاع آمریکا که اکنون از پایتخت‌های کشورهای عضو پیمان ناتو یکی پس از دیگری دیدار میکنند. آنان سعی دارند مردم را متقاعد کنند که گویا استقرار موشک‌های آمریکایی سربت اول در حکم زمیند سازی برای کاهش بعدی شمار موشک‌هاست. آنها میخواهند با این قبیل اطمینانات سالوسانه دست پاچی خودراکه در مقابل موضع گیری مشخص و متین اتحاد شوروی مصرحه در اظهاریه ۲۴ نوامبر یوری آندروپوف به آن دچار شدند، کتمان کنند و همچنین تلاش میکنند از مسئولیت در مقابل عقیم گذاشتن مذاکرات ژنو توسطه مسابقه تسلیحات هسته‌ای شانه خالی کنند. در این جا، جادارد که یاد آور شویم که مسئله روپائی هسته‌ای در اروپا، ایالات متحده آمریکا بوجود آورده است. همانا آمریکا بود که چندی پس از جنگ جهانی دوم، هوا پیمای بمب افکن «۲۹ - ب» حامل سلاح هسته‌ای را در اروپای غربی مستقر ساخت. در حالیکه اتحاد شوروی در آن زمان هیچ سلاح هسته‌ای نداشت. در اواسط سالی ۵۰ آمریکا پارتی موشک‌های

مستقر در زمین‌ها به اروپا حمل کرد و پس سلاحهای میانبرد در انگلیس و فرانسه ساخته شده و بدین ترتیب زرادخانه هسته‌ای پیمان ناتو افزایش یافت. ناگفته نماند که کشور شوروی در سال ۱۹۴۶ پیش‌نویس موافقت نامه بین‌المللی را برای بررسی به سازمان ملل متحد تسلیم کرد که به موجب آن تولید و انبار کردن و بکار بردن سلاح هسته‌ای برای همیشه منع شده بود. اتحاد شوروی جمعا بیش از ۱۰۰ پیشنهاد به منظور پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی و قبل از همه مسابقه سلاحهای هسته‌ای ارائه داده است. موضع گیری کشور ما در جریان مذاکرات ژنو پیرامون سلاحهای هسته‌ای در اروپا هم کاملا واضح و مشخص است. اتحاد شوروی پیشنهاد کرد که تمام سلاحهای هسته‌ای در اروپا برچیده شود و بدین طریق مسئله بطور اساسی حل گردد و همچنین پیشنهاد نمود که در راه حل اساسی مسئله کام شخصی برداشته شود یعنی شمار موشکهای هسته‌ای میان طرفین در قاره اروپا آبار کاهش یابد. اگر آمریکا از این پیشنهادات استقبال می‌کند، آیا اروپائینها بیشتر احساس آرامش نمی‌کردند؟ آیا موشکهای هسته‌ای جدید آمریکا تنها برای اروپا در نظر گرفته شده؟ اکنون در پنتاگون از نقشه حمل این موشکها به آسیا، کره جنوبی و ژاپن و به آفریقا، به جمهوری نژاد پرست آفریقای جنوبی صحبت میشود. حتی متجاوزان اسرائیلی نیز بی میل نیستند که چنین موشکهای را در اختیار داشته باشند. بسیاری از روزنامه‌ها در رابطه با گفتگوهای ریگان و شامیر نخست وزیر اسرائیل در واشنگتن در این باره مسائلی نوشته بودند. به این جهت تصادفی نیست که اکنون نه تنها در جمهوری فدرال آلمان، بلکه در همدم سردم از استقرار موشکهای جدید آمریکا در اروپای غربی ابراز نگرانی کرده و نسبت به آن اعتراض میکنند.

۶۶ مین سالگرد پیام دولت شوروی به مسلمانان زحمتکش خاور زمین

۶۶ سال پیش در سوم دسامبر ۱۹۱۷ دولت نوساز شوروی پیامی خطاب به همه مسلمانان زحمتکش روسیه و خاور زمین را منتشر کرد. این اقدام فقط ۲ ماه پس از انجام انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر به عمل آمده بود. ملت‌های مسلمان ساکن کشورمان در زمان رژیم تزاری بیش از دیگر ملت‌ها مورد ظلم و ستم قرار گرفته با فقر و بیسوادی عقب افتادگی دست به گریبان بودند. طبق آمار آن دوران برای از بین بردن بیسوادی در آسیای میانه حدود ۱۰۰۰ سال وقت لازم بود رژیم تزاری همچنین هم‌دست دول امپریالیسم در اختناق آزادی ملت‌های مسلمان خاور زمین و از جمله ایران بود. دولت تزاری یک قرارداد در مورد تقسیم ایران به مناطق قسمت نفوذ با استعمارگران انگلیس منعقد نمود که در حکم پایمال کردن حق حاکمیت کشور شما بود. رژیم تزاری مانند دول امپریالیسم غرب هم در بنم زدن انقلاب مشروطه ایران شرکت داشت و تصادفی نیست که ولادیمیر ایلیچ لنین پیشوای کشور ما که همواره رویدادهای کشور شما را با دقت بررسی میکرد ایران را نیمه مستعمره خواند. برخورد کشور ما با کشور ایران و دیگر کشورهای اسلامی و ملت‌هایشان پس از انقلاب اکتبر تغییر کرد و پیامی خطاب به همه

مسلمانان کشور روسیه و خاور زمین به نحوی بارز این اصل را تأیید میکنند. در این سند تاریخی گفته میشود خطر اسلثمار و به تبعیت در آوردن از ناحیه روسیه و دولت شمارا تهدید نمیکند بلکه از شوی ددان امپریالیسم و کسانی متوجه شماست که مین شمارا به مستعمرای بدل ساخته اند که ثروتیایش به تاراج میرود و غارت میشود. جمهوری نوپای شوروی دست کمک برادرانه بسوی ملت های مسلمان از جمله مردم ایران دراز کرده از آنها دعوت کرده بود ظلم و ستم چند ساله اسلثمار گران را از گردن خود بدر کنند. باید مخصوصا خاطر نشان نمود که دولت شوروی در پیام خطاب به همه مسلمانان زحمتکش روسیه و خاور زمین رسماً اعلام کرد که دین اسلام سنن و شعائر مذهبی و تاریخی مسلمانان را محترم میشناسد. در پیام آمده بود که «مسلمانان روسیه! همه کسانی که مساجد و معابر شما ویران شده و دین و اعتقاداتتان توسط تزارها و ظالمان روسیه پایمال شده بود از این بد بعد دین و آداب شما وضوابط ملی و فرهنگی شما آزاد و گزند ناپذیر هستند. زندگی خود را آزادانه و بدون مانع و رادعی سروسامان دهید. شما این حق را دارید. شما باید اطلاع داشته که حقوق شما هم مانند سایر ملت های روسیه بوسیله تمام قدرت و اعتبار انقلاب و ارگانهای آن تاسین و محافظت میشود». چنین سخنانی که در آن پیام آمده است طی ۶۶ سال گذشته کشور ماحتی یکبار هم از اصولی که در نخستین روزهای برقراری حکومت شوروی اعلام نموده بود غول نوزرید و شما از روی کشور خودتان میتوانید در این باره قضاوت کنید. همانطوری که اتحاد شوروی با ایران بر پایه اصول برابری و احترام متقابل روابط خود را مستقر ساخته از مبارزه آزادیبخش ملی و ضد امپریالیستی مردم ایران نیز پشتیبانی کرد. یکی از نمونه های این سیاست پشتیبانی قاطعانه ای است که اتحاد شوروی بدون کوچکترین تعللی در مورد انقلاب ایران میکرد. شنوندگان گرامی ماضمن نامه های

خود به این مناسبت از اتحاد شوروی تشکر میکنند و خاطر نشان میسازند که بدون این پشتیبانی رویدادهای ایران ممکن بود در جهت دیگری سیر کند. آقای حسین هادی پورشنونده ما مینویسد «ما از اتحاد شوروی به خاطر اخطار جدی‌اش درباره غیر مجاز بودن مداخله از خارج متشکریم. مدای مسکو که در لحظه حساس برای انقلاب بلند شده بود به شکست مداخله مسلحاندهای مساعدت کرد که در آنسوی اقیانوس علیه ماطرح ریزی میشد». آقای مظاهری یکی دیگر از شنوندگان ما خاطر نشان میکند که «اگر اتحاد شوروی به موقع به غیر مجاز بودن مداخله در امور ایران اخطار نمیکرد دستیابی بر رژیم شاه و سیطره امپریالیستی برای ما به مراتب دشوارتر میبود». این اظهار نظرها در نامه‌های شنوندگان بسیار است و آنها بر این امر دلالت دارند که کشور ما حال هم اصولی راکه در پیام خطاب به مسلمانان زحمتکش روسیه و خاور زمین مورخ سوم دسامبر ۱۹۱۷ اعلام شده بود به نحوی بسیار دقیق و موید مو اجرا میکنند.

خطر سیاست نظامی گرانه آمریکا برای ایران و همنوایی ارتجاع با آن

حضور موشکهای پرشینگ ۲ و موشکهای بالدار آمریکایی در قاره اروپا، اعتراضات شدید اهالی کشورهای این قاره و هم چنین مردمان دیگر مناطق جهان، منجمد منطقه خاور نزدیک و میانه را نیز برانگیخته است. این عکس العمل بینوده نیست. منظور از استقرار موشکهای بالدار واشنگتن در دیگر کشورها منجمد در جزیره سسیل در ایتالیا این است که موشکهای هسته‌ای آمریکا به سوی بخش‌های پهناوری از منطقه خاور نزدیک نیز هدف گیری شوند. در نقشه‌های نظامی گرانه امپریالیسم آمریکا سنی برسلطه‌جویی جهانی استقرار سلاحهای هسته‌ای نه تنها در اروپای غربی بلکه در دیگر مناطق کره زمین منجمد در خاور نزدیک و میانه و حوزه جنوب باختری آسیا حساب شده است. ایالات متحده آمریکا و کشورهای کد بدان بستگی دارند. پایگاههای نظامی احداث میکنند. سلاحهای خود منجمد جنگ افزارهای هسته‌ای را در آنجا برپا میکنند. این پایگاهها که اطراف ایران شکل خالدهای بخود گرفته‌اند. دم بدم بیشتر کشورتاران را احاطه مینمایند. پایگاههای آمریکایی در خاک پاکستان بلاواسطه در نزدیکی مرزهای ایران قرار گرفتند. پنتاگون در نظر دارد به اصطلاح نیروهای و اکنش سریع خودرا که به سلاحهای

هستدای مجهوزند در بندر گواترای پاکستان در نزدیکی مرزهای ایران نیز مستقر سازند. چند پایگاه نیروی دریایی آمریکا در جزیره‌های متروکه در خاک عمان درست در مقابل ایران احداث گردیده است که از آن برای نظارت بر ورود کشتی‌ها به خلیج فارس استفاده میشود. جزیره «دیدگوکارسیا» با وجود اینکه در مراکز اقیانوس هند قرار گرفته بصورت بزرگترین پایگاه آمریکا درآمده است. ناوهای آمریکایی حامل سلاحهای هستدای که در آنجا متمرکز شده اند همواره یکی پس از دیگری در خلیج فارس رفت و آمد میکنند. آمریکا در غرب ایران خاک ترکیه حدود ۶۰ پایگاه نظامی دیگر ایجاد کرده است. برخی از آنها در نزدیکی مرز ایران قرار دارند. نیروهای مسلح آمریکایی حق دارند از این پایگاهها استفاده کنند. در این اواخر در جراید خبرهایی منتشر میشود دایر بر اینکه پنتاگون برای استقرار موشکهای بالدارزمینی خود در این پایگاهها نقشه میکشد. خاک اسرائیل مدتهاست که به پایگاه نظامی آمریکا مبدل گردیده و از آن بعنوان تکیه گاهی برای انجام جنگهای تجاوز کارانه علیه ملتبای کشورهای همسایه استفاده میشود. جنگ افزارهای تهاجمی مدرن و مدرنتر آمریکایی در آنجا مستقر میگردند. به گفته روزنامه... واشنگتن در مدداست موشکهای پرشینگ آرا در اسرائیل نیز مستقر سازد. در عین حال شعاع عمل این موشکها سراسر ایران را در خواهد گرفت. خطرناکترین تدارک دولت آمریکا که هدفش استقرار جنگ افزارهای هستدای و وسایل حاصل آن در کشورهای منطقد خاور نزدیک و میانه و نیز در حوزه با ختری جنوب آسیا برای ایران نیز خطر بسیار بزرگی را در بردارد. چنانکه میدانید ریگان صاحب کنونی کاخ سفید از نقشه‌های کارتر رئیس جمهور سابق در مورد کشور شما به هیچوجه حرف نظر نکرده است. کارتر ایران را به جنگ هستدای تهدید کرده بود. حالا واشنگتن تصور میکند که با ایجاد حلقه کمربندی موشکهای هستدای

در اطراف ایران بتواند از راه شانته‌اؤ هسته‌ای شرایط خود را به تیران تحمیل کند و آنرا بتدریج وادار سازد تا بخواست و اشنگتن تن در دهد و از خط مشی عدم تعهد صرف نظر نماید. اتحاد شوروی در نقطه مقابل سیاست امپریالیست‌های ایالات متحده در جنوب غربی آسیا در تمام نقاط دیگر روش پیگیرانه‌ای مبنی بر استتقرار سلاح پایدار و عادلانه و تامین خلع سلاح در پیش گرفته است. مثلاً چند سال پیش اتحاد شوروی پیشنهاد نمود که اقبانوس هند و خلیج فارس را به منطقه غیراتمی مبدل کردند. تمام پایگاههای نظامی استراتژیک در این منطقه برچیده شوند و رفت و آمد کشتی‌های نظامی در آنجا محدود کردند. کشور مازا ابتکارهای هندوستان و دیگر کشورهای غیر متعهد در این زمینه پشتیبانی کامل دارد ولی ایالات متحده نخواست به این ابتکار و پیشنهادها روی موافقت نشان دهد. و اشنگتن بطور یک جانبه مذاکرات آمریکا و شوروی را که به منظور تامین عادی شدن اوضاع در اقبانوس هند برگزار میشود قطع نمود. ایالات متحده روشی مبنی بر تشدید مسابقه تسلیحاتی را در این منطقه در پیش گرفت. ایالات متحده آمریکا همچنین تحقق ابتکار ۲۶ مین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی را عقیم میگذارد که ماهیت آن عبارت است از تشریک مساعی تمام طرفهای ذینفع در راه تامین سلاح پایدار در خاور نزدیک و دور. و اشنگتن به توسعه حضور نظامی خود در خاور نزدیک ارجحیت داده و در تجاوز اسرائیل به حقوق ملل مسلمان منطقه مستقیماً شرکت مینماید و آنها را تابع مقاصد سلطه جویانه خود نماید. ایالات متحده آمریکا سیاست تجاوزکارانه خود در خاور نزدیک، تدارک نظامی گرانه در جنوب غربی آسیا و همچنین مسابقه تسلیحاتی را در تمام نقاط جهان شدت میدهد با بلند کردن غوغای مزورانه‌ای در مورد خطر موهومی شوروی و با عبارت پردازی‌هایی در مبارزه با خطر کمونیستی حصار میکند. و اشنگتن در اینکار کثیف در بسیاری از کشورهای

سرمایه‌داری نیز هم‌دستان دارد. همچنین عناصری در ایران هم‌پیدا شده است. این محافل تلاش میکنند مسئولیت بدید آمدن اوضاع فوق‌العاده تیره و متشنج در خاور نزدیک را افزایش خطر بروز جنگ در جنوب غربی آسیا را ندانند. به عهده ایالات متحده آمریکا بلکه به عهده اتحاد شوروی بگذارند. ارتجاع ایران پیش از پیش کشور خود را به فعالیت افترا آمیز ضد شوروی جلب میکند و امپریالیست‌ها به آتش آن دامن میزنند. آنها پیش از همه ذینفعند و تضاد بین سیاست صلحجویانه اتحاد شوروی و روش تجاوزگرانه ایالات متحده آمریکا را از نظر ملت‌ها پوشیده دارند. محاکمه فرمایشی افسران میهن پرست و برخی از فعالان حزب توده ایران که روزهای دسامبر در تهران آغاز شد حلقه‌ای از زنجیر عملیات مفسده جویانه ضد شوروی است که سرویس‌های ویژه غرب و مقدم بر همه سازمان‌های ایالات متحده آمریکا مقدمات آنرا تهیه میکنند. این محاکمه باشعارهای غلظی ضد شوروی بر گزار میشود. رئیس دادگاه و دادستان و دیگر کارگردانان این عمل افترا آمیز اراجیف کثیف و پلیدی در مورد اتحاد شوروی بیان مینمودند. تابیدن وسیله احساسات خصومت آمیزی نسبت به اتحاد شوروی در میان مردم ایران بوجود آوردند. سازمان دهندگان غوغای ضد شوروی در ایران تلاش مینمایند تا سیاست صلح جویانه اتحاد شوروی را بدنام کرده آنرا از اعتبار بیندازند. و بدین وسیله به امپریالیست‌های ایالات متحده آمریکا کمک میکنند تا تدارکات نظامی خود را در جنوب غربی آسیا مناطق دیگر موجه جلوه دهند.



چرا در کشورهای غربی احزاب بورژوازی و غیر پروлетری در میان برخی محافل کارگری مقبولیت دارند؟

وادیم زاکلادین معاون اول مدیریت بین‌المللی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در این باره چنین میگوید: دادن پاسخ سریع و روشن به این سؤال مشکل است. این سؤال چندین پاسخ دارد. ولی اگر بخواهیم اصل موضوع را آشکار سازیم بهتر است ابتدا ضمن ارزیابی اوضاع دنیای سرمایه داری، دگرگونی‌هایی را که در ترکیب طبقه کارگر روی میدهد در نظر بگیریم. نهضت کمونیستی مولود طبقه کارگر میباشد. طبیعی است که ترکیب طبقه کارگر در هر کشوری در حالت جنبش کمونیستی و کارگری تاثیر میگذارد. بدین معنا که یاباعث پیشرفت احزاب کمونیست و یا مانع تکامل آنها میشوند. این چند دهه اخیر طبقه کارگر خیلی رشد کرده و دگرگون شده است. افزایش تعداد کارگران البته پدیده‌ای است مثبت طبقه کارگر در کلیه رشته‌های تولید اجتماعی و در رشته خدمات نفوذ کرده نقش عنصر اجتماعی رهبری در تمام شئون زندگی جامعه را ایفا میکند. این جریان نیز جنبه مثبت دارد. در عین حال عواقب منفی به بار می‌آورد. رشد صفوف طبقه کارگر به فراگرفتن حرفه‌های جدید، به نفوذ در عرصه خدمات چه چیزی را

در بردارد؟ اولاً باید این نکته را تذکر داد که در نتیجه توسعه توده‌های زیادی از افراد دیگر جامعه که آگاهی طبقاتی آنها هنوز پرولتری نیست با طبقه کارگر در می‌آمیزند. این افراد بیش از آنکه پرولتری واقعی شوند باید مدتی جزو طبقه کارگر شناخته شوند. علاوه بر آن سهم نسبی هسته صنعتی طبقه کارگر کاهش می‌یابد. چرا که عرصه خدمات بخشی از طبقه کارگر صنعتی نیست. البته این امر باعث پائین آمدن سطح آگاهی طبقاتی می‌شود. بنسب جهت اقشار جدید طبقه کارگر اغلب نه برلک کمونیست‌ها و نه حتی برلک سوسیال دمکرات‌های می‌دهند. آنها را حتی نمی‌توان کارگران تجدید نظر طلب شمرد که باید آنها را بخشی از محافل محافظه کار طبقه کارگر نامید. نکته دیگری هم هست که نمی‌شود آن را نادیده گرفت. بورژوازی معاصر تجربیات سیاسی زیادی اندوخته است. زمانی ولادیمیر ایلیچ لنین می‌گفت که بورژوازی با سرعت از تجربیات خود درس عبرت می‌گیرد و در حمله نخست شیوه نفوذ در طبقه کارگر را می‌آموزد و می‌کوشد آن را سخت تحت تاثیر خود قرار دهد. بورژوازی وسایل نیرومندی برای تبلیغ و اغفال در اختیار دارد که از جمله آنها رسانه‌های گروهی می‌باشد. ولادیمیر زاکلادین گفت: امروز بورژوازی طبقه کارگر را از لحاظ سیاسی، مسلکی و ایدئولوژی تحت تاثیر خود قرار می‌دهد. در نتیجه بخش از مردم فریب خواهند خورد. سپس معاون اول مدیریت بین‌المللی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به سئوالات شنوندگان ما درباره دورنمای توسعه و تکامل جنبش کمونیستی و کارگری پاسخ داد. ولادیمیر زاکلادین می‌گوید: مقدم بر همه باید گفت طبقه کارگر بطور کامل بدون شك رشد خواهد کرد. زیرا رشد آتی طبقه کارگر گرایش تحولات اجتماعی را در دنیای معاصر تشدید خواهد کرد. این پروسه دردنیای سوسیالیستی و کشورهای روبه توسعه و در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری جریان دارد. از آن

گذشته گرایش تشدید نفوذ جریان‌ات انقلابی و پیگیران‌ای در طبقه کارگر مشاهده میشود. ولی معنای این جریان آن نیست که همیشه خود احزاب کمونیست قوی‌ند. سازمان‌های چپ‌گرا، احزاب انقلابی دمکراتیک مختلف پدید می‌آیند که طبقه کارگر در آنها نقش بزرگی بدعهده دارد. این امر میتواند بصورت تشکیل جبهه‌های وسیعی متظاهر گردد. نظیر جبهه ملی ساند نیست برای آزادی نیکاراگوئه. کمونیستها نیز عضو این جبهه میباشند. ولی این سازمان ابعاد بیشتری دارد و گرایش عمومی تکامل عقاید تمایلات انقلابی را در طبقه کارگر منعکس میکند. وادیم زا کلا دین ضمن اشاره به جانب سومین موضوع به گسترش همکاری متقابل دسته‌های مختلف طبقه کارگر یعنی کمونیستها، سوسیال‌دمکراتها و اتحادیه‌های مختلف المسلك اشاره کرد. در حال حاضر این همکاری متقابل بویژه در مبارزه بخاطر صلح متجلی میگردد. ولی بدچار چوب این مبارزه محدود نیست.

يك پزشك انگلیسی از زندان اوین گزارش میدهد

چنان که آگاه هستید، چندی پیش کنفرانس پزشکان در تهران با شرکت نمایندگان کشورهای گوناگون برپا شد. آندریویچ پزشک انگلیسی به اتفاق پزشکان دیگر هنگام اقامت در پایتخت ایران از زندان اوین دیدن کرد و مشاهدات خود را طی مقاله‌ای منتشر و در روزنامه «گاردین» چاپ لندن تشریح کرد. او مینویسد: «طبق آمار رسمی ۲۰۰۰ نفر زندانی، مردان و زنان و دختران و پسران و نوجوانان در زندان اوین محبوسند. اما طبق آمار غیر رسمی تعداد آنها از ۶۰۰۰ نفر تجاوز میکند و برخیها به عنوان کروگان در آنجا بسر میبرند. بنا به اعتراف مقامات رسمی ایران، از آغاز انقلاب بیش از ۵۰۰۰ نفر اعدام شده‌اند که اکثرشان مستقیماً در زندان اوین اعدام گردیده‌اند. پزشک انگلیسی مینویسد: «زندانیان بوی گفتند که فقط در یک شب در واقع ۴۹۰ نفر تیرباران شده‌اند». اوسپس مینویسد: «زندان اوین که به فرمان محمد رضا شاه پهلوی ساخته شده بود، هنگامی که پلیس مخفی ساواک در آن امر و نهی میکرد سمبل و خشت بود. اکنون مقامات رسمی ایران آنرا مرکز اسلامی تجدید پرورش مینامند. در حال حاضر زندان اوین ملك اسدالله لاجوردی دادستان دادگاه انقلابی مدعی الموم و زندانیان است. زندان اوین محلی است که تروریستها در آن حقیقت را درباره

اسلام درك ميكنند. بدگناه خود اعتراف ميكنند و از آن اظهارندامت ميكنند. لاجوردی ادعا ميكرد كه او اين زندان نيست، بلكه دانشگاه است! در زندان اوين اعضای حزب توده ايران و اعضای سازمانهای ديگر بسر ميبرند. هنگام ورود پزشكان به زندان ۱۰۰ زن در داخل آن صف كشيدند كه هنگام ظاهر شدن پزشكان به خواندن متنی پرداختند كه خوب قبلاً از بر کرده بودند. زنان اطفال شيرخوار خرد سال را همراه خود داشتند. من حساب كردم در آنجا ۱۵ طفل بود كه كوچكترين آنها ۱۱ ماهه بود. مادرش به من گفت كه ۹ روز پس از زايمان باز داشت شده و اظهار داشت كه باز پرسي من تا كنون هم آغاز نشده است. سپس حدود ۱۵۰۰ مرد را جمع كردند كه طی يك ساعت مشقت به سينه ميزدند و به شورشيان لعنت ميفرستادند و از رهبران جمهوري اسلامي ايران مدح و ستايش ميکردند! پزشكان از نماز خانه دين كردند كه در آن بيش از ۵۰۰ زن روی زانو نشسته بودند. پزشكان از لاجوردی خواهش كردند كه به آنها اجازه دهد اطافهای شكنجدر را تماشا كنند. ولی لاجوردی جواب داد كه گویا آنها از بين برده شده اند. او هم چنین اين اعلاميه فدراسيون بين المللی حقوق بشر را كه زندانيان محكوم شده به اعدام تمام خون تا آخرين قطره را ميگيرند رد كرد. وی در پايان نوشته است: «در عين حال لاجوردی به من گفت از زندانيان ميبوسم كه آیا آنها ميخواهند خون خود را بدهند يا نه و آنها دارو طلبانه اين كار را انجام ميدهند».

۶۲، ۹، ۱۵

۸۳، ۱۲، ۶

درباره موضع جمهوری اسلامی ایران در

کنفرانس جاری اوپک

از روز هفتم دسامبر در ژنو کنفرانس وزیران نفت کشورهای عضو اوپک کار خود را آغاز کرد. محمد غرضی وزیر نفت ایران هم در کنفرانس شرکت داشت. وی ضمن تشریح موضع ایران گفت: «در کنفرانس کوشش خواهد کرد قیمت نفت را افزایش داده و آن را برای هر بشکه به ۳۴ دلار برساند». مفسر ما در این باره مینویسد: «چنین موضع وزیر نفت ایران ناشی از آن است که در آمد از مسور نفت یگانه منبع ارزان در آمد بودجه دولتی ایران است». بر طبق برنامه‌های رهبری ایران در شرایط افزایش قیمت نفت تا ۳۴ دلار برای هر بشکه ارقام در آمد بودجه به اندازه ۲۰۵۱ میلیارد ریال افزایش خواهد یافت که نصف در آمد دولتی را تشکیل میدهد. به کمک این اعتبارات رهبری ایران کوشش میکند موثر نبودن سیاست اقتصادی خود را جبران کند. بطوری که میدانید پس از پیروزی انقلاب ۲۲ بهمن رهبری ایران وعده داده بود با لغو وابستگی آن از غرب و از راه اجرای تحولات اقتصادی و اجتماعی در صنایع و کشاورزی و تامین اجتماعی مردم و قص علیهذا کشور را از بحران اقتصادی خارج کند. شریبخشی اقتصاد ایران هم مانند قبل هنوز باید خیلی بهتر از اینها باشد. رهبری ایران در این شرایط

بیش از پیش بر درآمدهای حاصله از صدور نفت به کشورهای غربی متکی است که بی اندازه ناسالم است. ایران و دیگر کشورهای عضو اوپک در نتیجه سیاست انحصارات نفتی و محافل امپریالیستی غرب که پشت سر آنها ایستاده است و سیاستی که هدفش پائین آوردن قیمت نفت کشورهای اوپک و تنگ کردن عرضه بر این کشورها در بازارهای جهانی است - ضرر می‌رساند. در نتیجه این سیاست میزان استخراج نفت کشورهای عضو اوپک طی ۵ سال گذشته به اندازه بیش از ۲۰ درصد پائین آمده است. در حال حاضر این کشورها تقریباً حدود نصف قدرت استخراج خود را به کار می‌برند. برای اولین بار در تاریخ اوپک در سال گذشته سهم کشورهای عضو اوپک کمتر از نصف میزان استخراج نفت و گاز در کشورهای سرمایه‌داری است. البته همه اینها منجر به پائین آمدن در آمد کشورهای استخراج کننده نفت و در نتیجه خود داری از اجرای برخی برنامه‌های پیشرفت و رشد اجتماعی و فرهنگی در کشورهای عضو سازمان اوپک شد. وضعی که ایران و سایر کشورهای عضو اوپک در نتیجه تحکم انحصارات امپریالیستی غرب در آن قرار گرفتند. این ضرورت را ایجاد می‌کند که وحدت خود را در مبارزه به خاطر منافع ملی حفظ کنند. ولی جنگ خونین ایران و عراق و تلاشهای انحصارات بین‌المللی برای استفاده از اختلافات اعضای اوپک در مسئله قیمت نفت مانع آن است که خط مشی سیاسی واحدی تهیه و تدوین گردد. همه اینها نفاق و اختلاف را در سازمان اوپک بیشتر می‌کند و بطوریکه در شرق سیکویند؛ «اختلاف و نفاق اندازی در بین خود مانند آن است که تیشه به ریشه خود زده شود».

يك پیام تاریخی

۶۶ سال پیش در آغاز ماه دسامبر سال ۱۹۱۷ پس از پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در روسیه لنین رئیس دولت شوروی خطاب به تمام مسلمانان روسیه و خاورزمین منجمله مسلمانان ایران پیامی فرستاد. در این پیام گفته می‌شود: «حوادث بزرگی در روسیه روی می‌دهند. بنای کهنه اسارت و بندگی در زیر ضربه‌های انقلاب روسیه درهم فرو می‌ریزد. جهان نوینی، جهان زحمتکشان و آزادشدگان پا به عرصه وجود می‌گذارد. زمین زیر پای درندگان امپریالیسم می‌سوزد. ملت زحمتکش روسیه يك آرزو دارد و آن اینست که در جهان عدالت اجتماعی را به وجود آورند و به ملل جهان کمک کنند که آزادی خود را بدست آورند». دولت اولین کشور کارگران و زحمتکشان که تزاریسم و سلطه ستمگران امپریالیستی را سرنگون کردند. از مردم خاورزمین دعوت کرد که همراه با پرولترهای انقلابی روسیه در راه لغو ظلم و ستم استعماری و امپریالیستی و به خاطر برقراری مناسبات عادلانه بین کشورها و ملتها مبارزه کنند. در پیام لنین گفته می‌شود: «ما و شما زحمتکشان و مستضعفان مسلمان روسیه و خاور زمین را مخاطب قرار می‌دهیم. وقت را بیهوده تلف نکنید و اشغالگرانی را که قرن‌ها زمین شما را گرفته بودند از خود برانید. دیگر به آنها اجازه ندهید که سرزمین

آب و اجدادی شما را غارت و اشغال کنند. شما خودتان باید صاحب اختیار کشور خود شوید. شما باید زندگی خود را مطابق میل و خواست خود دنبال کنید. شما این حق را دارید زیرا سرنوشت شما در دست خودتان است». تشکیل دولت سوسیالیستی و بیانات دولت آن حاوی محکومیت سیاست استعمارگرانه کشورهای امپریالیستی اروپا همچنین آمریکا و ژاپن، از همان آغاز در کشورهای سرمایه‌داری جهان با خصومت و غضب روبرو گردید. سیاست انترناسیونالیستی دولت اتحاد شوروی از طرف ارکانهای تبلیغاتی امپریالیستی نه فقط در اروپا و آمریکا، بلکه در کشورهای آسیا و آفریقا هم مورد تمسخر و افترا قرار گرفته بود. حتی در آنموقع ستمگرانی از هر قماش، اراجیفی بخش می‌کردند که گویا کشور شوروی ملل جهان را تهدید می‌کنند. چنین تبلیغات ضد شوروی وسیعاً در اختیار امپریالیستها و ارتجاع در ایران، هندوستان، ترکیه و کشورهای عرب بخش می‌شد. لذا بدین علت است که لنین ضمن خطاب به مسلمانان خاورزمین، لازم دانست که آنموقع رسماً و آشکارا به تمام جهانیان اعلام دارند که اسارت و بندگی نه از طرف اتحاد شوروی و دولت انقلابی در انتظار شماست، بلکه درندگان امپریالیسم اروپا، کسانی که در کشور شما بر سر تقسیم اراضی به جنگ مشغولند و کسانی که میهن شما را به مستعمره غارت شده و چپاول شده خود مبدل کرده‌اند می‌خواهند شما را به اسارت در آورند کشور شوروی در مقابل سیاست اشغالگرانه امپریالیستی اصول دوستی و همکاری و برابری حقوقی با همه ملت‌ها و احترام به حق حاکمیت آنها را اساس سیاست خارجی خود اعلام کرد و دولت شوروی بی‌درنگ این اصول اعلام شده را شروع به تحقق بخشیدن کرد. این دولت تمام قراردادهای و موافقتنامه‌های نابرابر روسیه تزاری بورژوازی به سایر کشورها را لغو کرد. از جمله در پیام خطاب به زحمتکشان روسیه و خاورزمین تاکید شده بود که «ما اعلام

می‌داریم که قرارداد تقسیم ایران پاره شده و از بین برده شده است، برای مردم ایران باید حق تعیین آزادانه سرنوشت خود تامین شود». هنگامی که در ایران نهضت آزادی بخش علیه سلطه و آقایی استعمارگران انگلیسی و رژیم سلطنتی گوش به فرمان آن آغاز گردید جمهوری شوروی از مبارزه آنان پشتیبانی کرد. متأسفانه اسپریالیستها با استفاده از ضدیت با اتحاد شوروی و کمونیسم ستیزی موفق شدند در صفوف نیروهای جنبش ایران تفرقه بیاندازند و برخی گروهها را به جان گروههای دیگر بیاندازند. مثلاً سیرزا کوچک خان که مدتی یکی از رهبران جنبش ضد اسپریالیستی که منافع خرد بورژوازی و بازرگانان را منعکس می‌ساخت رهبران حزب کمونیست ایران به ریاست حیدر عسواوغلی که از منافع فقیرترین کارگران و کشاورزان و پیشه‌وران دفاع می‌کردند برای مذاکره ترد خود دعوت کرد و سپس به فرمان کوچک خان که از جریان مذاکرات ناراضی بود حیدرخان و رفقای او را خائنانه کشتند. تفرقه در جنبش آزادی بخش ایران که استعمارگران انگلیسی ایجاد کرده بودند به آنها امکان داد که مخالفان خود در ایران را سرکوب کنند و خاندان سلطنتی پهلوی را روی کار آورند که تا سال ۱۹۷۹ ایالات متحده آمریکا و انگلیس از وی پشتیبانی مینمودند. طی ۶۶ سالی که از انتشار پیام لنین بعنوان «مسلمانان زحمتکش» گذشت در جهان دگرگونیهای عظیمی بدست آمده است. بسیاری از ملل اروپا، آسیا و آمریکا منجمله ملت‌های برخی کشورهای اسلامی با پیروی از مردم اتحاد شوروی به راه سوسیالیسم قدم گذاشته‌اند. سیستم استعماری برای همیشه و بطور کلی متلاشی شد. ملت‌های خاورزمین هم مانند ملت‌های دیگر مناطق حاضر نیستند با نظام غارتگرانه‌ای که اسپریالیسم تحمیل می‌کند سازگار شوند و با قاطعیت روزافزون از حقوق خود دفاع می‌کنند. نزدیک به ۵ سال پیش مردم ایران رژیم هواخواه

امپریالیستها را سرنگون کردند و به سلطنت خاندان پهلوی پایان داده شده و راه پیشرفت مستقل در برابر ایران گشوده شد. آمریکا و انگلیس و دول دیگر امپریالیستی ضمن کوشش برای تحمیل مجدد سلطه خود به مردم ایران علاوه بر اعمال فشار نظامی و اقتصادی از شیوه‌های دیگری هم علیه آن استفاده می‌کنند. در پایتخت‌های کشورهای غربی تفرقه در صفوف نیروهای ملی ایران را که انقلاب ۲۲ بهمن را انجام دادند بمثابة یکی از مهمترین اهرمها میدانند که به کمک آن امیدوارند بار دیگر ایران را تابع خود سازند. امپریالیستها با اتکا به بورژوازی بزرگ و فئودالها و بازرگانان بزرگ که با انحصارات غربی ارتباط دارند توانستند موجباتی برای تعقیب و عملیات تضییق آمیز علیه اعضای حزب توده بوجود آورند. حزبی که طی ۴۰ سال موجودیت پیکرانه علیه امپریالیسم و ایادی آن فعالیت کرد و می‌کند و از منافع مسلمانان زحمتکش دفاع میکند. امپریالیستها و ارتجاع از تعقیب حزب توده همچنین برای گسترش تبلیغات ضد شوروی و ضد کمونیستی در ایران و منزوی ساختن مردم ایران و جدا ساختن آنها از تمام نیروهای ترقیخواه جهان استفاده می‌کنند. امپریالیستها بیش از هر چیز از وحدت کشورها و ملت‌هایی که تلاش می‌کنند تحکیمات خود را به آنها تحمیل کنند می‌ترسند. به این جهت آنها از هر فرصتی استفاده کرده شیوه استثمار-گرانه کهنه خود «تفرقه بینداز و حکومت کن» را به کار می‌بندند. لنین رئیس نخستین حکومت شوروی، بلافاصله پس از پیروزی انقلاب سوسیالیستی اکتبر در پیام بعنوان مسلمانان زحمتکش روسیه با بحیرت تمام تاکید کرده بود که برای موفقیت کار آزادی ملت‌های ستمدیده لازم است. که تمام نیروهای ضد امپریالیستی تشریک مساعی کنند. این وصیت پیشوای زحمتکشان سراسر جهان در حال حاضر هم مانند ۶۶ سال پیش اهمیت فراوان دارد.

جلوه‌هایی از اندیشه تاریخ ساز مارکسیسم - لنینیسم

گئورگی شاه‌نظراوف دکتر علوم حقوق و رئیس سازمان علوم سیاسی شوروی چند کتاب درباره گرایشهای رشد اجتماعی معاصر و دورنماهای مناسبات بین‌المللی تألیف کرده است. این نویسنده اغلب در برنامه‌های ما شرکت می‌کند. شاه‌نظراوف می‌نویسد: تاریخ بشریت فیلسوفها و دانشمندان زیادی را به خاطر سپرده است که اندیشه‌ها و کشفیات آنها مانند ستاره‌های راهنما بشریت را در طی کردن راه سخت و دشوار آن سوی ملل پیشرفت و ترقی هدایت میکردند. ولی در بین نبوغ بشری و راهبران بشریت شخصیت‌های برجسته‌ای مانند کارل مارکس و دوست و هم‌رزم وی مانند فریدریش انگلس و ادامه دهنده کارهای آنها ولادیمیر ایلیچ لنین برجسته‌تر و درخشانتر از دیگرانند. بنیانگذاران سوسیالیسم علمی به حق معماران دنیای نوین نامیده می‌شوند. هیچ کس مانند آنها نتوانست ساختار زندگی اجتماعی را بهتر درک کند و نیازمندیهای عینی در رشد آنها را کشف کرده و بیانگر آمال توده‌های مردم شود. یوری آندروپوف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی خاطر نشان کرده بود: «ما کمونیستهای اتحاد شوروی افتخار می‌کنیم که به با نفوذترین جریان فکری و ایده‌ای در تمام تاریخ تمدن بشری یعنی مارکسیسم - لنینیسم تعلق داریم. این جریان که راه

را به بهترین و مترقی‌ترین چیزهایی که در علم و فرهنگ معاصر وجود دارد باز کرده است. در مرکز زندگی معنوی جهانیان قرار گرفته و اذهان میلیونها نفر را فرا گرفته و بدخود مشغول داشته است. این اعتقاد معنوی طبقه قیام کننده و آزادکننده تمام بشریت باین فلسفه خوش بینی اجتماعی و فلسفه حال و آینده بشریت است. این فرمول بندی فشرده به این سؤال که شهرت ابدی تعالیم مارکسیسم - لنینیسم در چیست و چرا برخلاف بسیاری از تئوریهای اجتماعی دیگر که به بوته فراموشی سپرده شده است. پس از گذشت دهها سال تأثیر خود را بر سیر حوادث جهان بیشتر میکند. پاسخ داده است. اولین سند برنامه‌ای این تعالیم «مانیفست حزب کمونیست» است که توسط کارل مارکس و فریدریش انگلس نوشته شده است. در این سند برای اولین بار در تاریخ نظریه مارکسیستی نوسازی جهان تشریح شده بود. تبدیل سوسیالیسم از خیال خام به سطح علمی با این سند بستگی دارد. اندیشه اصلی که در این سند بیان شده، آن است که سوسیالیسم نه فقط خواست عقل سلیم و آرزوی زندگی بهتر که قرن‌ها ادامه داشته بود. بلکه نتایج طبیعی پرورده تاریخی و قانونمندی عینی زندگی اجتماعی است. موضوع سرقانونمندی جایگزین شدن یک فرماسون اجتماعی و اقتصادی با یک فرماسون اجتماعی و اقتصادی دیگر است. رشد نیروهای مولده یا زیر بنای جامعه احتیاج به برقراری مناسبات تولیدی جدید و روبنای سیاسی و ایدئولوژی جدید را بد وجود می‌آورد. تمام واقعیتهای معاصر نتایج مارکسیسم - لنینیسم را تأیید میکند. اکنون گروه بزرگی از کشورهای سوسیالیستی به راهی که انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر روسیه در سال ۱۹۱۷ باز کرد قدم گذاشته‌اند. گروههای مترقی جنبشهای کارگری در کشورهای سرمایه‌داری هم زیر پرچم مارکسیسم - لنینیسم فعالیت میکنند. این یا آن خصایل ایدئولوژی سوسیالیسم علمی را بسیاری از کشورهای آسیا،

آفریقا و امریکای لاتین راهنمای خود قرار داده‌اند. بحران عمومی سرمایه‌داری که بیش از پیش عمیق می‌شود و رشد موجب سوسیالیسم در ساختار اجتماعی حاکی از صحیح بودن تعالیم مارکسیسم - لنینیسم است. این پروسه علمی به هیچ وجه جنبه خودبخودی ندارد و از خیلی جهات با تجربه سوسیالیسم واقعی تشویق می‌شود. طبقه کارگر جهان با الهام گیری از نمونه کشور شوراها مبارزه سخت و پیگیر را به‌خاطر برآوردن خواستهای حیاتی مانند حق تضمین شده کار، حق آموزش و خدمات پزشکی که در دسترس همگان است و به‌خاطر همگانی کردن وسایل تولیدات، رشد برنامه‌ریزی اقتصاد را ادامه می‌داد و اکنون هم ادامه می‌دهد. ایده‌های سوسیالیسم مستقیماً یا غیر مستقیم در تاروپود تمامی جامعه کنونی نفوذ کرده و بیش از پیش مهمترین تأثیر را در رشد آن ادا می‌کند. با در نظر گرفتن رویدادهای تاریخی ادعاهای برخی از ایدئولوگهای کشورهای غربی که گویا کمونیسم بد بنیست رسیده است و آزمایش سوسیالیسم در عمل با شکست روبرو شد و قس‌اللهند... غیر عاقلانه و جاهلانه به نظر می‌رسد. مثلاً ریگان هم همینطور فکر می‌کند و برای آنکه روحیه نیروهای محافظه‌کار و ارتجاعی را شاداب‌تر کند، آنها را به جنگ صلیبی می‌فرستد. این را جز کوره سیاهی چیز دیگری نمی‌توان نامید. امروزه در مبارزه سرسخت بخاطر آینده این امر اهمیت زیادی کسب می‌کنند که کدام تعالیم و کدام سیاست قادر است به بشریت کمک کنند و مسایل و مشکلات بفرنجی را که در سرحد بین هزاره دوم و هزاره سوم در برابرش قرار گرفته حل و فصل کنند؟ این مشکلات عبارت است از رفع گرسنگی و فقر و ظلم اجتماعی که توده‌های وسیع مردم در جهان از آن رنج می‌برند. برای نجات طبیعت و زندگی انسانی ثنوریستهای اردوگاه بورژوازی ضمن کوشش برای پیدا کردن طرق حل این مشکلات امید خود را به معجزه‌هایی که پیشرفت انقلاب علمی و فنی با خود خواهد آورد.

بسته‌اند. ولی گرایش ثابت برای حفظ مقرراتی که در جامعه سرمایه‌داری وجود دارد مانند ظلم و ستم روا داشتن يك فرد نسبت به فرد دیگر و یا يك ملیت نسبت به ملیت دیگرشانسی برای موفقیت به آنها نمی‌دهد. ترقی علم و فن با وجودی که اهمیت دارد به خودی خود نمی‌تواند موانع راه بسوی آینده بهتر را برطرف کند. برای اینکار لازم است که مناسبات اجتماعی را براساس اصول سوسیالیسم از ریشه و بنیاد تغییر داد. فقط بر اساس اصول سوسیالیسم ممکن است از نیروهای عظیمی که علم معاصر آزاد خواهد کرد برای رفاه و بهروزی مردم استفاده کرد. ضمناً مسایل در مقیاس تمام جهان را فقط میتوان با اشتراك ساعی تمام بشریت حل و فصل کرد. به این ترتیب شعار انترناسیونالیسم پرولتری که مارکس اعلام کرد معنای جهاتشمول پیدا میکند و اکنون بیش از هر وقت دیگر امید بشریت برای آینده درخشان و بهتر با این شعار مربوط است. این اواخر محیط و اوضاع بین المللی بطور جدی در نتیجه تشدید گرایشهای تجاوزگرانه در سیاست کشورهای امپریالیستی و قبل از همه ایالات متحده امریکا حاد و وخیم شده است. و آشنگتن ضمن بدور انداختن دستاوردهای تشنج زدایی، خط مشی سریع نظامی‌گرانه و سابقه تسلیحاتی و سرکوب کردن جنبشهای آزادی بخش را با نیروهای مسلح در پیش گرفته است. جنگ ضد کمونیستی آقای ریگان عملاً به جنگ علیه تمامی جهان مبدل شده. در این اوضاع و احوال بغرنج و اضطراب آور، ماهیت و طبیعت انسان دوستانه نظام اجتماعی سوسیالیستی و ایدئولوژی کمونیستی با نیروی خاصی ظاهر میگردد. اتحاد شوروی وسایر کشورهای جامعه سوسیالیستی تمامی نیرو و قدرت و نفوذ سیاسی خود را برای جلوگیری از آتش هسته‌ای به کار می‌برند. سوسیالیسم از صلح جدایی ناپذیر است. همانطور که از دموکراسی و آزادی و حقوق واقعی بشریت تفکیک ناپذیر است.

جلوهای از همکاریهای سازنده اتحاد شوروی با ایران

دوستان عزیز! ۱۰ سال پیش با همکاری اتحاد شوروی در اصفهان اولین کارخانه خانه سازی که سالانه برای احداث خانههای مسکونی به مساحت ۵۰۰۰۰ متر مربع قطعات از پیش ساخته تولید میکند، مورد بهره‌برداری قرار گرفت. بعداً در سالهای ۱۹۷۸ - ۱۹۷۹ با کمک سازمانهای شوروی کارخانههای خانه سازی در اهواز و باختران به بهره‌برداری رسیدند که سالانه جمعاً برای احداث خانههای مسکونی به مساحت ۱۷۵۰۰۰ متر مربع قطعات از پیش ساخته تولید میکنند سازمانهای شوروی مربوطه که با وزارت مسکن و شهر سازی ایران همکاری میکنند بر آنند که احداث خانهها از قطعات از پیش ساخته نسبت به شیوههای سنتی احداث خانهها از آجر و یا از بلوکهای ساختمانی و تقلیل حجم کارهای ساختمانی که باعث صرفه‌جویی قابل توجه در هزینههای ساختمانی میشود مهمترین آنهاست. برتریهای توسعه شیوه صنعتی خانه سازی در شرایط کمبود فوق‌العاده خانههای مسکونی بقدری عیان و آشکار است که معلوم نیست چرا سازمانهای ایران ساختمان چند کارخانه خانه سازی را که در پروتکل کمیسیون دائمی همکاری اقتصادی شوروی - ایران پیش بینی شده بود متوقف ساخته است. این حقیقت

هم جای تعجب است که اکنون وظیفه اجرای برنامه خانه سازی را بعهده شرکت‌های خصوصی گذاشته‌اند که سعی دارند خانه‌های گران قیمتی را بسازند و در سرمایه‌گذاری در احداث کارخانه‌های خانه سازی ذینفع نیستند میدانیم که منابع سازنده مصالح ساختمانی نقش مهمی در اجرای برنامه تامین قشرهای وسیع مردم از لحاظ مسکن ایفا میکند ارزیابی نتایج کارهای اکتشافی که کارشناسان ایرانی انجام دادند نشان می‌دهند که مواد خام موجود در کشورتان برای تولید مصالح ساختمانی کفایت مسکن و حتی امکان تولید مصالح ساختمانی برای صدور به‌خارج وجود دارد ضمناً باید گفت که صدور مصالح ساختمانی ممکن بود یکی از منابع تحصیل ارز شود که برای ایران ضروری است مقامات رسمی که مسئله اشتغال در ایران مورد نگرانی آنهاست بسود توسعه منابع سازنده مصالح ساختمانی اظهار نظر میکنند حساب شده که هر کس که در رشته تولید سیمان اشتغال دارد موجباتی برای تامین کار چهار نفر در دیگر رشته‌های اقتصادی فراهم می‌آورد مطالب پیش گفته به روشنی نشان می‌دهد، همکاری با اتحاد شوروی در رشته خانه سازی هم از لحاظ اقتصادی و هم از لحاظ اجتماعی برای ایران سودمند است. احتیاج به‌مسکن سال به سال افزایش می‌یابد. اکنون برای ایران ۳ میلیون باب خانه مسکونی لازم است حال آنکه تا ده سال دیگر این رقم دو برابر خواهد شد. در حال حاضر ایران امکان دارد سالانه فقط ۲۰۰ هزار باب خانه مسکونی بسازد.

در باره روز حقوق بشر

۲۵ سال پیش مجمع عمومی سازمان ملل متحد اعلامیه کل حقوق بشر را به تصویب رساند به این مناسبت هر سال روز ۱۰ دسامبر در کشورهای مختلف جهان روز حقوق بشر برگزار می‌شود. روز حقوق بشر در اتحاد شوروی هم که در آن نسبت به حقوق انسان توجه زیادی مینول می‌شود در همان نخستین اسناد دولتی پس از پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی ۱۹۱۷ در کشور برای برابری اجتماعی و ملی کامل برقرار گردید. برای همه ملل کشور حق تعیین سرنوشت و تکامل آزادانه اقلیت‌های ملی تامین شد. به موازات تکامل جامعه سوسیالیستی حقوق سیاسی - اجتماعی - اقتصادی شهروندان به نحوی هرچه کاملتر تامین می‌گردد.

قانون اساسی که اکنون در اتحاد شوروی اعتبار یافته است در حد به مراتب بیشتری که در اعلامیه کل سازمان ملل در نظر گرفته شده تضمین می‌گردد. چندی پیش در مسکو کنفرانس مطبوعاتی برگزار شد که رادیمیروردیموف وزیر دادگستری اتحاد شوروی در آن سخنرانی نمود. وی حقوقی را که طبق قانون اساسی برای شهروندان شوروی تامین شده تشریح نمود. وزیر دادگستری میگوید که، قانون اساسی اتحاد شوروی حق عمده انسان حق کار را برای شهروندان تامین میکند. لازم به تذکر است که در اتحاد شوروی تضمین حق کار به معنای آن

است که دولت شوروی باید برای همه شهروندان کار مطابق با ذوق و استعداد و حرفه و تحصیلات تامین کند. این به مراتب بیش از آن است که سازمان ملل متحد توصیه میکند. بیش از ۵۰ سال است که در اتحاد شوروی از بیکاری اثری نیست. ما همچنین دیگر حقوق اجتماعی و اقتصادی را بیشتر از میزان اعلامیه کل حقوق بشر تامین میکنیم. در اتحاد شوروی همه نوع خدمات پزشکی و همه نوع تحصیل و آموزش مجانی است. منجمد از بابت آموزش افراد شوروی به صندوق بازنشستگان هیچ مبلغی نمی‌پردازند. دریافت حقوق بازنشستگی در صورت از دست دادن استعداد کار از حمل بودجه کشور و حق مسکن تامین است. شهروندان شوروی از حقوق اساسی نیز که برای آنها تامین شده برخوردارند. بیش از ۲۳۰۰ (دو میلیون و ۳۰۰ هزار) نفر از دهقانان و زحمتکشان - کارگران نمایندگان روشنفکر. نماینده شوراها هستند و در اداره امور کشور شرکت می‌کنند. حدود ۲۰ میلیون نفر فعالان داوطلب همراه با آنها همین کار اجتماعی را انجام میدهند. عملاً هیچ يك از مسایل دولتی مهم بدون در نظر گرفتن نظریه توده‌های زحمتکشان و سازمان‌های اجتماعی آنان حل و فصل نمی‌شود. قانون اساسی اتحاد شوروی برای همه شهروندان آزادی بیان - مطبوعات و اجتماعات تامین میکند. می‌گویند که زمان بهترین قاضی است. دهها سالی که از تصویب اعلامیه کل سازمان ملل متحد میگذرد نشان داد که نظام اجتماعی جدید در کشور ما امکانات گسترده در حقوق مردم را تامین کرده است.

اوباش افغانی با حمایت امریکا اجتماع تشکیل میدهند

بدستور دولت امریکا در واشنگتن اجتماعی از ضد انقلابیون افغانی برپاشده است. مفسر ما می‌نویسد: «ایکور برگر معاون وزیر امور خارجه امریکا و برژینسکی مشاور پیشین ریاست جمهوری در امور امنیت ملی شخصا به کار تدارک و مقدمات برگزاری این اجتماع که با ظمطراق فراوان «مجمع ملی مخصوص افغانستان» نامیده شد رسیدگی می‌کنند. سرکرده‌های اوباش ضد انقلابی افغانی که از مدتها پیش در خود امریکا آشیانه کرده‌اند و یا مخصوصا برای شرکت در این مجمع از اردوگاههای مخصوص پاکستان به امریکا منتقل شده‌اند. قریب نصف شرکت‌کنندگان این اجتماع را تشکیل می‌دهند. وزارت امور خارجه امریکا در آستانه‌گشایش این اجتماع کنفرانس مطبوعاتی ویژه‌ای ترتیب داد و در آن تاسف کاخ سفید را از اوضاع افغانستان ابراز داشت. علت این تاسف روشن است. زیرا همان برژینسکی چندی پس از وقوع انقلاب پیروزمنده آوریل با شتاب زدگی به مرز افغانستان رسید تا آغاز جنگ اعلام نشده علیه جمهوری نوپا را بازرسی کند. برژینسکی لوله تفنگ خودکار را به سوی خاک افغانستان متوجه کرده به خبرنگاران عکاس که داشتند از او عکس می‌گرفتند اطمینان داد که چندی نخواهد گذشت که امریکا اوضاع افغانستان را در جهتی که باب طبع واشنگتن باشد تغییر خواهد داد. اکنون که از آنزمان ۲ سال گذشت او ضمن هدایت کار تشکیل اجتماع اجاسر و اوباش افغانی در واشنگتن ناچار اعتراف

کرد که اوضاع افغانستان در جهتی تغییر می‌کند که بهیچوجه باب طبع کاخ سفید نیست. حکومت مردمی افغانستان طی مدت کوتاه بد امر ونهی فتودالها و رباخواران در کشور پایان داده و اصلاحات ارضی و آبی‌را با موفقیت انجام میدهد و با بیسواد می‌کند. سطح رفاه و زندگی زحمتکشان افغانستان بالا می‌رود. درجه ملی و میهنی که در افغانستان تأسیس شد کارگران و دهقانان و نمایندگان محافل بازرگانی و اقتصادی و روحانیون متحد شدند. هم پیوستگی و فشرده‌گی همه قشرهای ساکنان افغانستان افزایش می‌یابد. مثلاً چند روز پیش بیش از ۴۰۰ شخصیت نامی که در دوران پیش از انقلاب ماه ثور (آوریل) در افغانستان وزیر، ژنرال و نماینده پارلمان بودند در کابل مجلس عمومی برپا کردند و متفقانه مراتب پشتیبانی خود را از دولت انقلابی افغانستان دموکراتیک ابراز داشتند. شرکت کنندگان این مجلس محافل اجتماعی تمام جهان را مخاطب قرار داده دعوت نمودند که جنگ اعلام نشده علیه افغانستان را که امریالیستهای امریکا و هم‌دستان آن اعلام کرده‌اند محکوم نمایند. سازمان دهندگان این کار کثیف و پلید، بیش از پیش در تنگنا گرفتار می‌شوند. در جراید اغلب خبرهایی منتشر می‌شود مبنی بر اینکه اعضای سازمانهای ضد انقلابی اعلام می‌کنند که از شرکت در عملیات تجاوز کارانه امتناع می‌ورزند و بد طرف حکومت مردمی می‌گرایند. این جریان بحد زیادی نگرانی کاخ سفید را می‌انگیزد. ایکور برگر و برژینسکی طی بیانات خود در این اجتماع واشنگتن بازم از سرکرده‌های باندها ضد انقلابی دعوت نمودند که در جنگ اعلام نشده بیشتر شرکت جویند آنها اشاره نمودند که برای محو حکومت کنونی در افغانستان تلاش بعمل خواهند آورد. تلاشها عبث و بیهوده است. تحولات مرفقی در افغانسان که پاسخگوی منافع حیاتی تمام مردم کشور است جنبه برگشت ناپذیر دارد.

ضد انقلابیون افغانی منبع تولید « هرگ سفید »

ضد انقلابیون افغانی که در خاک پاکستان لانه کرده‌اند به تولید غیر قانونی و قاچاق مواد مخدر پرداخته‌اند و این مواد مخدر توسط کانال‌های مخفیانه به آمریکا و دیگر کشورهای غربی صادر می‌شود. معاملات مخفیانه مواد مخدر چنان مقیاس گسترده‌ای پیدا کرد که واشنگتن بناچار از مقام‌های رسمی پاکستان خواست که برای جلوگیری از حمل هروئین و دیگر مواد مخدر شدیدالتأثیر به آمریکا تدابیر فوری اتخاذ نمایند. بدین مناسبت خبرگزاری آسوشیتدپرس به جا و به حق یادآوری می‌کند که تبدیل پاکستان به یکی از تولید کنندگان عمده هروئین در جهان بدون شرکت خود آمریکا صورت نگرفته است. از جمله «باسماچی» های افغانی با موافقت کاخ سفید در خاک ایالات مرزی شمال غربی پاکستان پایگاههایی ایجاد کرده و مجدانه به تولید مواد مخدر پرداخته‌اند. بنابه گزارش مطبوعات آمریکا، تنها در نیمه اول سال جاری، پلیس پشاور، مرکز ایالت شمال غربی پاکستان بیش از یک تن و نیم هروئین صادره کرد و این فقط بخشی از مواد مخدر مرکب‌اری است که «باسماچی» های افغانی تولید کرده‌اند. سرکرده‌های اجامر و اوباش ضد انقلابی افغانی با سوء استفاده از روش اغماض مقام‌های نظامی پاکستان که در منجلابی از فساد فرو رفته‌اند، آزمایشگاههای ابتدائی، مخصوص عمل آوردن خشمخاش را به واحدهای صنعتی واقعی مبدل ساخته‌اند که

فرآورده‌های آنها همواره مورد تقاضای «مافیای» بین‌المللی سوداگران «مرک سپید» است. مطبوعات کشورهای غربی بارها حقایقی را ذکر کرده‌اند که نشان می‌دهد، «باسماچی»های افغانی از مدتها پیش از پشتیبانی و حمایت سرویسهای ویژه آمریکا در این فعالیتهای جنایتکارانه برخوردارند. سازمان «سیای» آمریکا به آنها کمک کرد تا با شرکتهای بین‌المللی کانگسترها رابطه برقرار کنند. بنابه گزارش مطبوعات، سازمان جاسوسی آمریکا تجهیزات لازم جهت تهیه پاسپورتهای جعلی و دیگر افزاری که برای فروش مواد مخدر در کشورهای اروپای غربی و در خود ایالات متحده آمریکا ضروری است، در اختیار راهزنان گذاشته است. بخشی قابل‌توجهی از پولنهایی‌کداز طریق فروش مواد مخدر بدست می‌آید برای تأمین هزینه‌های عملیات مسلحانه مفسده‌جویانه علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان، کشور همسایه پاکستان و جهت آموزش «باسماچی»ها در مراکز جاسوسی و خرابکاری غرب و پاکستان به مصرف میرسد.

۶۲۹۹۲۴